



## عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد

مریم هاشمیان<sup>۱</sup>،

Maryam.hashemian1@gmail.com

دکتر حسین بهروان<sup>۲</sup>

behravan@um.ac.ir

دکتر محسن نوغانی<sup>۳</sup>

noghani@um.ac.ir

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (در حوزه‌های خدمات شهری، محیط زیست) و عوامل مؤثر آن در بین ساکنان 18 تا 64 ساله شهر مشهد می‌باشد. روش تحقیق، پیمایش (توصیفی - تبیینی) است. جامعه آماری آن را کلیه ساکنان شهر مشهد تشکیل می‌دهد و حجم نمونه 348 نفر بود که به شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم از سطح شهر مشهد انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. پایایی و روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش اعتبار صوری و آلفای کرانباخ صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق میانگین مشارکت مردم مشهد در امور شهری به میزان 0.319 (در بازه 0-4) نشان داد که بیانگر مشارکت زیاد مردم در امور شهری است، همچنین نتایج حاصل از آمار استنباطی و آزمون فرضیات تحقیق مشخص کرد؛ بین متغیرهای احساس بی‌قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و احساس خود اثربخشی شهروندی و مشارکت پاسخ‌گویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤثرترین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری با ضریب تأثیر 0.319 می‌باشد و بعد از آن متغیرهای عضویت انجمنی، احساس بی‌قدرتی، آگاهی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و سن در رده‌های بعدی قرار دارد. با توجه به نتایج فوق اگر شهرداری بتواند میزان رضایت شهروندان را از عملکرد خود افزایش دهد و نگرش مثبتی در ساکنان شهر مشهد ایجاد کند، احتمال افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری افزایش خواهد یافت.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت شهری - مدیریت شهری - شهروندی - مشارکت شهروندی - شهر مشهد.

<sup>1</sup> کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>2</sup>، دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>3</sup>، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد



## 1- مقدمه

« انسان موجودی اجتماعی است تا جایی که او را حیوان « مدنی الطبع » تعریف کرده‌اند. (نوغانی و دیگران، به نقل از کاردان، 1387) این تعریف یادآور آن است که انسان همواره به صورت جمعی زندگی کرده و نیازهای خود را به وسیله‌ی دیگران و به مدد آنان رفع کرده است. با این همه از دیرباز در مورد منشأ این زندگی اجتماعی میان متفکران مسائل اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی اختلاف نظر وجود داشته و دارد. آنچه مسلم است و ظاهراً همگی در آن اتفاق نظر دارند، این که چه آدمی طبعاً متمایل به زندگی اجتماعی باشد و چه بر اثر عوامل بیرونی به این حالت سوق داده شده باشد، برای آنکه این گرایش به تحقق بیبندد، آموختن اجتماعی زیستن و مشارکت در امور جامعه به او لازم و ضروری است.» [1]

« بررسی کوتاه از سیستم‌های مدیریتی در شهرهای بزرگ دنیا، حاکی از آن است که اکثراً مدیریتی مقتدر، مستقل و مردمی بر این شهرها حکومت می‌کنند. مدیریت شهرها حتی در شهرهای کوچک نیز برای اداره شهر، از هیچ نهاد یا سازمانی دستور نمی‌پذیرد. بررسی تجربیات کشورهایی که با استفاده از اهرم مشارکت مردم، به مبارزه با مسایل و مشکلات شهری برخاسته‌اند، حاکی از آن است که مدیریت شهری بیش از اراده سیاسی، نیازمند مشارکت مردمی است.» [4]

## 2- بیان مسئله

گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال‌های اخیر، به ویژه افزایش جمعیت در شهرهای بزرگی همانند شهر مشهد، مسائل و مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که مدیریت شهری امروزی در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته این مشکلات را حل کرده و در ارائه خدمات یکسویه موفقیتی بدست آورد. آنچه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت‌های شهری است. [3]

شهر مشهد نیز از جمله شهرهایی است که هر ساله بر تعداد جمعیت آن افزوده می‌شود به طوری که طبق آمارهای سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت در سال 1375، جمعیت نقاط شهری استان خراسان رضوی، 2922000 بوده است. اما این رقم در سال 1385 به 5593079 نفر رسیده است. یعنی در طول ده سال جمعیت شهری استان خراسان رضوی رشدی 39/8 درصدی داشته است. از سوی دیگر جمعیت مشهد بین سال‌های 1355 تا 1385 رشدی حدود 222 درصد نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، 1385). رشد شتابناک جمعیت شهری مشهد، هشدار می‌دهد که احتمال بروز مشکلات مختص شهرهای بزرگ، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی که در شهرهای میلیونی امکان وقوع دارد، ضمن آنکه ارائه خدمات به چنین جمعیتی به آسانی از عهده‌ی یک سازمان و آن هم به صورت یکطرفه بر نمی‌آید.

جلب مشارکت شهروندان در اداره‌ی شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنین شهر ایجاد خواهد کرد که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش هزینه‌ها و صرف انرژی زیاد و کاهش علقه عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد. [1]



تحقیقات انجام شده در زمینه مشارکت شهروندان در شهر مشهد نشان از میزان متوسط مشارکت مردم در امور شهری دارد. مثلاً تحقیق اصغریور (1386) نشان می‌دهد که میانگین میزان عمل مشارکتی مردم در طیف صفر تا 100 برابر 53 بوده است. با توجه به پیامدهای منفی و مثبت مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر باید دید، با چه ترفندها و محرک‌هایی می‌توان ساکنین یک شهر را برای مشارکت در امور عمومی شهرشان برانگیخت تا ضمن کاهش پیامدهای منفی عدم مشارکت آنان، به بهبود شرایط زندگی شهری هم برای شهروندان و هم برای سازمان‌های مرتبط با آنان دست یافت؟

در این پژوهش محقق بر آن است که میزان مشارکت مردم و عوامل مؤثر بر مشارکت آنان را در حیطه‌ی وظایف مدیریت شهری و مهمترین نهاد آن، یعنی شهرداری مورد بررسی قرار دهد، همچنین با توجه به گستردگی حوزه‌ی وظایف شهرداری و عدم آشنایی شهروندان با این وظایف، رایج‌ترین شیوه‌های مشارکت مردم با سازمانی نظیر شهرداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه حوزه‌های مشارکت مردم با شهرداری شامل خدمات شهری، محیط زیست، تأمین ایمنی شهر، فعالیت‌های نظارتی شهرداری، فعالیت‌های مربوط به رفاه اجتماعی و فعالیت‌های عمرانی شهرداری می‌باشد از بعضی از حوزه‌ها چندین فعالیت که برای شهروندان مشهدی ملموس‌تر و شناخته شده‌تر می‌باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### 3- پیشینه‌ی تجربی

#### 3-1- سابقه‌ی تحقیق

در رابطه با مشارکت و عوامل مؤثر بر آن تحقیقات و پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، در ذیل به چند نمونه از این تحقیقات که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش مورد نظر دارد اشاره می‌شود.

نتایج تحقیقات احمدی و توکلی (1385)، شریف‌زاده و صدقی (1387)، شفیع (1385)، عباس‌زاده (1387) و دیگران نشان می‌دهد که سابقه‌ی مشارکت، شناخت مفهوم مشارکت، احساس تعلق به محل سکونت، ارزیابی پیامدهای مشارکت، سودآور بودن فعالیت‌های مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی مدیران شهری، سنت‌گرایی، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط شهری، رضایت از خدمات شهری، احساس توانمندی در مقابل شهرداری، احساس اثربخشی شهروندی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و عضویت در تشکلهای مهمترین متغیرهایی هستند که مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری را تبیین می‌کنند. در همه‌ی تحقیقات انجام شده میزان مشارکت در امور شهری اکثراً در حد متوسط رو به پایین به دست آمده و تنها در تحقیقی که عباس‌زاده (1387) در شهر اصفهان انجام داده است مشارکت شهروندان در امور شهری در حد بالایی می‌باشد.

در تحقیقات خارجی همانند تحقیقات مونتالوو (2008)، کلی و دنیس (2008)، لوکهارت (2003)، اعتمادی (2000)، بورتلتو و هاناک (2007) و مارشال (2007) نیز میزان مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایین می‌باشد و مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در این تحقیقات نیز شامل پایگاه اجتماعی- اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، نوع مالکیت منزل و میزان آگاهی می‌باشد.



## 2-3- پیشینه نظری

در باب سبب‌شناسی (اتیولوژی) مشارکت باید گفت که، هیچ تئوری کلی که همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در برداشته باشد، مطرح نشده است. به نظر می‌رسد مشارکت، پدیده‌ی پیچیده‌ای است که به تعداد بسیار زیادی از متغیرهای دارای وزن‌های نسبی متفاوت وابسته است. [9] عوامل اثرگذار بر بحث مشارکت بسیار متعدد و متنوع می‌باشند. از عوامل روانشناسی گرفته تا عوامل روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی. در این تحقیق به بحث مشارکت از دیدگاه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی پرداخته شده است.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی احساس بی‌قدرتی که در افراد نسبت به یک سازمان یا نهاد وجود دارد بر عمل و کنش آنان در مقابل آن سازمان مؤثر است. در این زمینه نظریات سطح کلان همانند نظریات مارکس، وبر و زیمل از مهمترین بحث‌های ارائه شده در رابطه با بیگانگی انسان‌ها نسبت به دست ساخته‌هایشان و احساس بی‌قدرتی آنان در مقابل آنها می‌باشد. [8] همچنین مطالعات تجربی که بر این پایه صورت گرفته است، مشارکت را تابع همین احساس دانسته اند، بدین معنی که شهروندان، شهرداری را به عنوان یک نهاد خارج از خود و یک نیروی مستقل می‌بینند که در برابر آن قدرتی ندارند و این نهاد بر آنها مسلط شده است.

متغیر دیگری که از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، می‌تواند بر عمل و کنش افراد در رابطه با یک نهاد یا سازمان تأثیرگذار باشد، احساس اثربخشی است. احساس اثربخشی انتظارات یک فرد در موفقیت در یک کار یا رسیدن به یک نتیجه ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی است. [9] بدین ترتیب که اگر شهروندان قضاوت‌های مثبتی در رابطه با مهارت‌ها و دانش خود برای مشارکت در امور شهری داشته باشند به احتمال زیاد مشارکت آنان نیز افزایش خواهد یافت.

همچنین در دسته بندی متغیرهای مؤثر بر مشارکت ارزیابی هزینه - فایده مشارکت است که می‌توان به تأثیر زیاد آن بر مشارکت مردم در امور شهری اذعان کرد. مهمترین نظریه‌پرداز این بحث، هومنز است که وابسته به مکتب مبادله می‌باشد، هومنز معتقد است که «انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی می‌شود در کنش‌های متقابل جستجو کند. [2]

متغیرهای فوق مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در حوزه‌ی روان‌شناسی اجتماعی می‌باشد. در این تحقیق به متغیرهای اجتماعی مؤثر بر مشارکت پرداخته شده است. نظریه پردازان اجتماعی متغیرهایی نظیر عضویت انجمنی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی اقتصادی را بر میزان مشارکت افراد مؤثر می‌دانند.

## 3-3- چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق متغیرهای مؤثر بر مشارکت به دو دسته متغیرهایی که اصالتاً درونی هستند (روانشناسی اجتماعی) و متغیرهایی که از محیط بیرونی و اجتماعی فرد ناشی شده‌اند، تقسیم شده است.

در بخش متغیرهای درونی یا روانشناسی اجتماعی مشارکت به طور گسترده به نظریاتی که متغیر بی‌قدرتی را به عنوان یک متغیر مهم اثرگذار بر مشارکت می‌دانند اشاره شده است. این دسته از نظریات به نظریات وبری معروف هستند که در آن بر



نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود. افرادی که در بعد کلان به متغیر بی‌قدرتی اشاره کرده‌اند کارل مارکس، گئورگ زیمل و ماکس وبر می‌باشند. عده‌ای دیگر نظریه‌های برد متوسط بی‌قدرتی را مطرح کرده‌اند که شامل ملوین سیمن، نیل و سیمن، ماری لوین می‌باشند. سایر افرادی که در زمینه مفهوم بی‌قدرتی مطالعات تجربی و نظری داشته‌اند شامل ماری لوین، هانتیگتون و نلسون (تأثیر منزلت اجتماعی افراد بر احساس بی‌قدرتی)، کلی و برین لینگر (موقعیت کنترل)، آلبرت باندورا (احساس خوداثربخشی)، رابرت دال (بیگانگی سیاسی و اجتماعی)، سنت و کوب، آلموند و وربا (احساس توانایی ذهنی و سیاسی) می‌باشند.

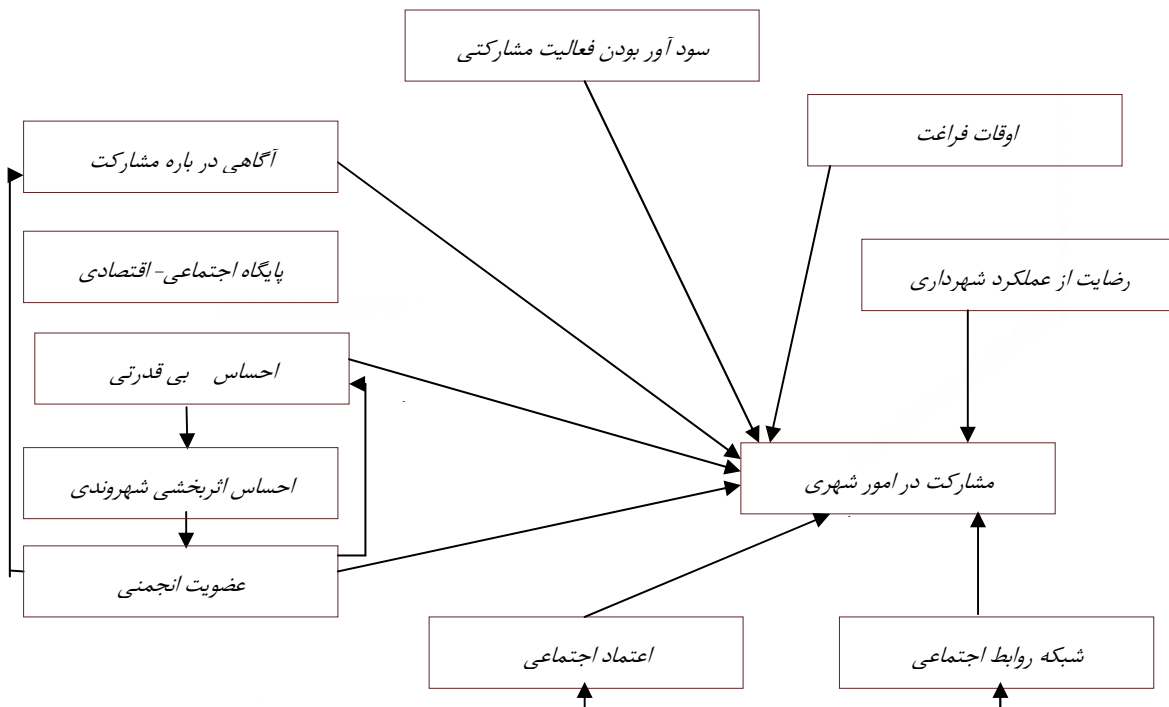
در بین متغیرهای درونی یا روانشناختی مشارکت، نظریاتی که به ارزیابی فایده - هزینه مشارکت اشاره کرده‌اند مورد بررسی واقع شده‌اند. از جمله نظریاتی که در این زمینه بحث کرده است نظریه کنش عقلانی می‌باشد که مهمترین نظریه در این رویکرد، از آن هومنز است.

دسته دوم متغیرهایی که بر مشارکت تأثیر می‌گذارند متغیرهای اجتماعی یا متغیرهای بیرون از شخص می‌باشند. در این راستا اولین متغیری که مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر عضویت انجمنی است. از جمله نظریه پردازانی که عضویت انجمنی افراد را بر مشارکت آنان مؤثر می‌داند گمسون، سیلز، مایرون وینر و آلن تورن می‌باشند. هانتیگتون و نلسون نیز در این زمینه علاوه بر اشاره به متغیر احساس بی‌قدرتی، متغیر عضویت انجمنی را نیز بر مشارکت افراد مؤثر دانسته‌اند. هانا آرنهت و یورگن هابرماس در همین راستا به مفهوم حوزه عمومی یا قلمرو همگانی اشاره کرده‌اند. متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز از سوی برخی از نظریه پردازان به عنوان عامل اثرگذار بر مشارکت افراد شناخته شده است و در دسته متغیرهای اجتماعی یا بیرونی نسبت به شخص قرار می‌گیرد. نظریه پردازانی همچون وربا و نای و اروم تأثیر این متغیر بر مشارکت را مورد بررسی و سنجش قرار داده‌اند.

آخرین متغیر از دسته متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت، متغیر اعتماد اجتماعی است که در اکثر تحقیقات تجربی انجام شده مرتبط با موضوع بدان اشاره شده است. همچنین در این تحقیق با توجه به نظریه سی مور مارتین لیپست تأثیر ویژگی‌های فردی نیز بر مشارکت مورد بررسی قرار گرفته است.



مدل مفهومی مشارکت



#### 4- روش تحقیق

روش انجام این تحقیق روش پیمایشی از نوع توصیفی- تبیینی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شهروندان (اعضای خانوار اعم از زن و مرد) بالای 18 سال شهر مشهد در سال 1389 می باشد. حجم نمونه 347 نفر بوده و شیوه نمونه گیری نیز نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم می باشد. پایایی پرسشنامه با آلفای کرانباخ و روایی آن با روش اعتبار صوری مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری spss استفاده شده است. نتایج در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی از نمودارها و جداول توزیع فراوانی و همچنین شاخص های مرکزی مانند میانگین و میانه استفاده شده است، در بخش آمار استنباطی متناسب با نوع فرضیات و سطح سنجش متغیرها از آزمون های آماری ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون، آزمون مقایسه میانگین، آزمون تحلیل واریانس، تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

#### 5- یافته های تحقیق

یافته های حاصل از این تحقیق در قالب جداول خلاصه شده و مختصر در ذیل گزارش شده اند:

در جدول شماره 1-5 نتایج حاصل از آزمون میزان مشارکت مردم در امور شهری با حد متوسط این میزان نمایش داده شده است.



نتایج این آزمون نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم مشهد در امور شهری 3.19 است، با توجه به اینکه سطح معناداری در آزمون این فرضیه کمتر از 0.05 است ( $\text{sig}=000$ ) می‌توان گفت که میزان مشارکت مردم در امور شهری از حد متوسط بیشتر بوده و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

جدول 1-5- بررسی میزان مشارکت مردم در امور شهری شهر مشهد

سطح معناداری	مقدار t	آزمون t تک نمونه ای			
		خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد
000	36.305	.03281	.61199	3.1910	348
					مشارکت در امور شهری

در جدول شماره 2 نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق نشان داده شده است:

بین متغیرهای سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، احساس خوداثربخشی شهروندی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی‌قدرتی، آگاهی از مشارکت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان مشارکت در امور شهری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین عضویت انجمنی شهروندان بر میزان آگاهی و احساس بی‌قدرتی آنان تأثیر می‌گذارد، بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با احساس بی‌قدرتی آنان رابطه معناداری وجود دارد، شبکه روابط اجتماعی افراد نیز بر میزان اعتماد اجتماعی آنان مؤثر است

جدول 2-5- نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری	تأیید یا رد فرضیه
سن	مشارکت در امور شهری	0.143	0.008	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
تعداد سال‌های سکونت در این محله	مشارکت در امور شهری	0.055	0.305	رد
تعداد سال‌های سکونت در مشهد	مشارکت در امور شهری	0.021	0.703	رد
تعداد ساعات وقت آزاد در روز	مشارکت در امور شهری	-0.071	0.205	رد
شبکه روابط اجتماعی	مشارکت در امور شهری	0.374	0.000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
اعتماد اجتماعی	مشارکت در امور شهری	0.315	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
عضویت انجمنی	مشارکت در امور شهری	0.425	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
احساس تعلق به مشهد	مشارکت در امور شهری	0.029	0.596	رد
احساس خوداثربخشی	مشارکت در امور شهری	0.165	0.002	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
سودآور بودن فعالیت مشارکتی	مشارکت در امور شهری	0.040	0.461	رد
رضایت از عملکرد شهرداری	مشارکت در امور شهری	0.438	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
احساس بی‌قدرتی	مشارکت در امور شهری	-0.387	000	تأیید جهت رابطه معکوس است)



آگاهی	مشارکت در امور شهری	0.195	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	مشارکت در امور شهری	0.236	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
عضویت انجمنی	آگاهی	0.169	0.002	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	احساس بی قدرتی	-0.202	000	تأیید (جهت رابطه معکوس است)
عضویت انجمنی	احساس بی قدرتی	-0.178	0.001	تأیید (جهت رابطه معکوس است)
شبکه روابط اجتماعی	اعتماد اجتماعی	0.278	000	تأیید (جهت رابطه مستقیم است)

### تحلیل رگرسیون چندگانه

متغیرهای مستقل: سن، جنس، تعداد سال‌های سکونت در محله، تعداد سال‌های سکونت در مشهد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس خوداثربخشی، احساس بی قدرتی، میزان آگاهی، عضویت انجمنی، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سودآور بودن فعالیت مشارکتی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس تعلق به مشهد

متغیر وابسته: مشارکت مردم در امور شهری

جدول 3-5- ضرایب رگرسیونی متغیرهای تحقیق در گام آخر

مراحل رگرسیون	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد میانگین	مؤثرترین متغیر
گام آخر	.722	.522	.512	.42489	رضایت از عملکرد شهرداری (0.319)

نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل رگرسیون در جدول شماره 3-5 نمایش داده شده اند. در آخرین گام رگرسیون متغیرهای عضویت انجمنی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی قدرتی، اعتماد اجتماعی، آگاهی، سن و شبکه روابط اجتماعی در مدل رگرسیون باقی مانده‌اند که این 7 متغیر در مجموع 52 درصد از تغییرات متغیر مشارکت در امور شهری را تبیین می‌کنند و سایر تغییرات این متغیر وابسته به عواملی دیگری است که در این مدل نیامده است. و مؤثرترین متغیر بر میزان مشارکت مردم در امور شهری رضایت از عملکرد شهرداری است که بالاترین ضریب تأثیر (0.319) را نسبت به متغیرهای دیگر دارد. در زیر معادله رگرسیون چندگانه نمایش داده شده است:

$$y = 2.082 + 0.252(\text{عضویت}) + 0.126(\text{آگاهی}) + 0.319(\text{رضایت از عملکرد شهرداری}) + 0.123(\text{اعتماد اجتماعی}) + 0.259(\text{احساس بی قدرتی}) - 0.107(\text{شبکه روابط اجتماعی}) + 0.093(\text{سن})$$

### 6- نتایج

نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داد که سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، احساس خوداثربخشی شهروندی، رضایت از عملکرد شهرداری، احساس بی قدرتی، آگاهی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت





مردم در امور شهری تأثیر دارند که این نتایج تأیید کننده نتایج تحقیقات قبلی است. اما رابطه بین متغیرهای احساس تعلق به مشهد، ارزیابی هزینه فایده‌ی مشارکت، تعداد سال‌های سکونت در محله و مشهد، اوقات فراغت و میزان مشارکت مردم در امور شهری رابطه معناداری نبود و در رابطه با این متغیرهای نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیقات قبلی هماهنگی ندارد.

همچنین نتایج این تحقیق نظریات گردآوری شده در رابطه با عوامل مؤثر بر مشارکت همانند، نظریات مرتبط با احساس بی‌قدرتی (وبر، مارکس، زیمل، ماری لوین، نیل و سیمن، ملوین سیمن)، نظریات مرتبط با عضویت انجمنی (هانا آرنه، یورگن هابرماس، هانتیگتون و نلسون، گمسون، مایرز و آلن تورن)، نظریات مرتبط با پایگاه اجتماعی اقتصادی (وربا و نای، اروم) نظریات مرتبط با احساس اثربخشی شهروندی (آلبرت باندورا)، و نظریات ارزیابی هزینه- فایده مشارکت (هومنز) را تأیید کرد.

در بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل، نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که متغیر ارزیابی هزینه - فایده‌ی مشارکت تأثیر غیرمستقیمی بر میزان مشارکت مردم دارد، این متغیر از طریق رضایت از عملکرد شهرداری بر متغیر مشارکت اثر می‌گذارد. همچنین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی که تأثیر مستقیمی بر مشارکت ندارد به واسطه‌ی متغیر شبکه روابط اجتماعی بر مشارکت مردم تأثیر دارد؛ یعنی با افزایش پایگاه اجتماعی- اقتصادی ساکنان شهر شبکه روابط اجتماعی آنان گسترده‌تر می‌شود و بدین ترتیب این شبکه روابط گسترده میزان مشارکت آنان را در امور شهری افزایش خواهد داد. همچنین متغیر مدت زمان سکونت در مشهد از طریق متغیر عضویت انجمنی بر مشارکت مردم در امور شهری تأثیر دارد.

با در نظر گرفتن مجموع نتایج به دست آمده می‌توان گفت که: مهمترین نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمده این است که یک دلیل عمده‌ی افزایش مشارکت مردم در امور شهری مردم با وجود بالا بودن احساس بی‌قدرتی آنان در مقابل شهرداری، اعتماد اجتماعی پایین آنان، عضویت انجمنی و آگاهی کم آنان، رضایت متوسط آنان از عملکرد شهرداری می‌باشد.

## 7- پیشنهادات

- 1- ایجاد شوراهای محلی در محلات و تشویق مردم برای عضویت در این شوراها و افزایش میزان آگاهی آنان .
- 2- اطلاع رسانی در زمینه شیوه‌های مشارکت مردم در امور شهری را از طریق تبلیغات تلویزیونی و .....
- 3- احترام به آرا و نظرات، انتقادات و پیشنهادات شهروندان و کاهش احساس ناتوانی و بی‌قدرتی آنان .
- 4- رفع نقائص موجود در شهر که سبب ایجاد مشکلات شهروندان و باعث افزایش اعتماد آنان می‌شود.
- 5- شهرداری مشهد می‌تواند با از بین بردن این تفکر در مردم که شهرداری فقط به فکر منافع خودش است و فقط می‌خواهد از مردم پول بگیرد، زمینه‌های افزایش همکاری و مشارکت مردم را فراهم کند.
- 6- پیگیری خواسته‌ها و مطالبات مردم در حد توان و رفع مشکلات آنان برای تغییر نگرش آنان نسبت به شهرداری .
- 7- افزایش تعاملات مستقیم و چهره‌به‌چهره مسئولین با مردم در قالب ایجاد شوراهای محلی و ایجاد این احساس در مردم که مسئولین دلسوز آنان می‌باشند.



## منابع

1. اصغریور ماسوله، احمدرضا. (1386). «راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان». طرح پژوهشی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
2. توسلی، غلام‌عباس. (1373). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
3. رضایی، عبدالعلی. (1375). «مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه». ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره 110-109. تهران: مؤسسه اطلاعات.
4. رضویان، محمدتقی. (1381). مدیریت عمران شهری. تهران: پیوند نو.
5. شفیعی، شفیح. (1385). «بررسی جامعه‌شناسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل». پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد رودهن.
6. صدقی، جواد. شریف زاده، فتاح. (1387). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر». مجله مطالعات مدیریت، شماره 59.
7. عباس زاده (1380). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی. دانشگاه تبریز.
8. علوی، علیرضا. (1379). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). جلد دوم، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
9. محسنی تبریزی، علیرضا. طباطبایی، محمود. مرجایی، سیدهادی. (1385). «نظریه‌های روان‌شناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت» مجله سیاست داخلی. سال اول، شماره اول.
10. نوغانی، محسن. (1387). «میزگرد مشارکت اجتماعی شهروندان». سایت سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد.
11. نوغانی، محسن. حسینی، سید کمال‌الدین. کیوان، غلامرضا. ایمانیان، مسعود. (1387). شهر، شهروند، مشارکت. مشهد: آستان قدس رضوی.

## منابع لاتین

12. Felisa U. Etemadi . (2000) *Civil society participation in city governance in Cebu City: Environment&Urbanization*. Vol 12 No 1.
13. Kelli L. Larson, Denise Lach (2008). "Participants and non-participants of place-based groups: An assessment of attitudes and implications for public participation in water resource management". *Journal of Environmental Management* 88, 830-817.
14. M.Lockhart, Stacy (2003). "Factors Affecting Participation In city Recycling Programs". A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College for the degree of Master of Science in The Department of Environmental Studies B.S., Niagara University.
15. Marschall, Melissa. J (2007). *Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods*. The University of Utah, published by sage.
16. Montalvo, Daniel (2008). "Citizen Participation in Municipal Meetings, American Barometer insights: NO 4". *Vanderbilt University (USAID)*.
17. Paula Bortoleto, Ana. Hanaki, Keisuke (2007). "Report: Citizen participation as a part of integrated solid waste management: Porto Alegre case, Department of Urban Engineering". *The University of Tokyo*, Tokyo, Japan.